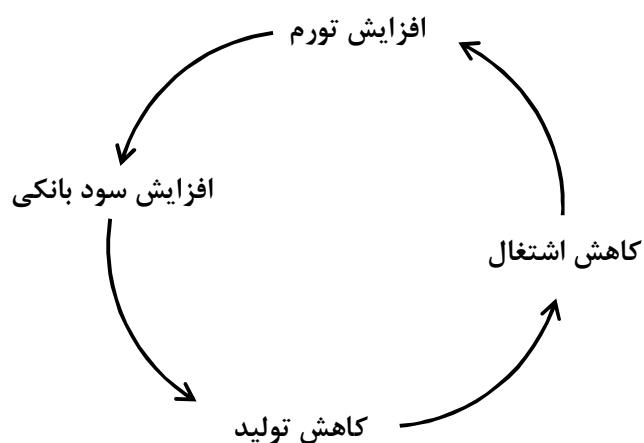


نظام بانکی:

الف - سود بانکی:

یکی از معضلات اقتصاد ایران مرتبط کردن نرخ سود بانکی با نرخ تورم می‌باشد نظریه‌پردازان و سیاست‌گذارانی که حامی این نظریه و مجری آن در جامعه هستند در عین حال که مخاطرات سود بالای بانکی برای تولید و اشتغال (و اثرات تبعی آن را) می‌دانند صرفاً با هدف حفظ منافع سپرده‌گذاران به دیدگاه خود اصرار دارند این موضوع ظاهراً هم از منطبق ساده‌ای تبعیت می‌کند. تجربه دوره گذشته که دیدگاه مذکور اجرا شده حاکی از آن است که سیکل مخرب خطرناکی در اقتصاد ایران نهادی شده



این سیکل مخرب ضمن تهدید تولید، در بلندمدت نیز موجب گرایش فعالان اقتصادی به فعالیت‌های پولی بجای فعالیت تولیدی و نهایتاً تهدید بخش واقعی اقتصاد خواهد شد. [البته این فرایند با مبانی و محتوای بانکداری بدون ربا (شیوه تعیین سود بانکی) و با کل اقتصاد اسلامی (توجه به بخش واقعی اقتصاد) در تضاد است]

راه کار:

این چرخه مخرب می‌بایست قطع شود یعنی سود بانکی کاهش یابد و برای جبران منافع سپرده‌گذاران امتیازات دیگری پیش‌بینی شود.

نظیر:

- هزینه خدمات بانکی از گیرندگان خدمات بانکی (بجای منظور نمودن در سود بانکی!) اخذ شود.
 - نظارت مؤثر بر مصرف منابع در جهت تولید
 - امتیازات مالیاتی، بیمه‌ای و... برای سپرده‌گذاران
- (با توجه به اینکه تورم صرفاً در اثر بالا بودن سود بانکی نیست بنابراین تنها با کاهش سود بانکی نمی‌توان انتظار کاهش تورم داشت و سایر عوامل باید مورد توجه قرار گیرد.)

ب - نظام بانکی و تأمین مالی تولید:

1- بایستی جهت حمایت از تأمین مالی تولید ملی:

- 1-1- حداقل سرمایه برای ایجاد بانک افزایش پیدا کند.
- 2-1- حداقل سرمایه برای بانکهای موجود افزایش پیدا کند.
- 3-1- مؤسسات اعتباری تحت نظارت قوی و مؤثر درآمده و از تأسیس بانک‌های جدید جلوگیری شود. (افزایش غیرمعارف سود سپرده‌های بانکی بخشی معطوف به رقابت بانکهای خصوصی متعدد است)

2- با توجه به افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش شدید ارزش پول ملی به منظور تأمین مالی متناسب، بدیهی است حد کفایت سرمایه بانکها به شدت افزایش پیدا کند (از 8% به حداقل 15% برسد) تا بانکها بتوانند تسهیلات بیشتری برای تولید فراهم نمایند.

3- ساختار تسهیلات بانکی بایستی تولیدمحور شود و پایش و رصد مؤثر آن امکان‌پذیر است.

4- استفاده از ابزارهای مبتنی بر اعتبار (Credit) و نه بدهی (Debt) برای تأمین مالی زنجیره‌های تولید در حوزه سرمایه در گردش و بازرگانی نظیر L/C و L/G و

5- الگوی ایجاد سرمایه‌گذاری‌ها بایستی مبتنی بر بهره‌مندی از شرکت‌های Developer (که کلیه مراحل صفر تا 100 ایجاد کارخانه‌ها و تأسیسات تولیدی مشتمل بر تأمین مالی و حتی بعد از بهره‌برداری تا بازاریابی را مدیریت می‌کنند.) بانکها به دلیل پرداخت مستقیم وام‌ها به Developerها به جای صاحبان کارخانه، با اطمینان و روانی بیشتری اقدام خواهند کرد و نظارت بر مصرف منابع بسیار کارآمد شود (مسئولیت هدایت‌گرانه وزارت صنایع برای ایجاد Developerها اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است و وزیر صنعت، معدن و بازرگانی نبایستی صرفاً تخصص بازرگانی و واردات داشته باشد بلکه هدایت‌های اینگونه‌ای از تولیدات صنعتی معدنی و کشاورزی داشته باشد.)